

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

مبحث دنیا و آخرت (ص ۱۳۷ ف ۱ - ۱۳۷ ف ۲)

✿ اگر دنیا برای شما زندان است، بشارت باد بر شما که عزیز مصر وجود که صاحب‌الامر است، با زندانی می‌نشیند؛ همان‌گونه که یوسف وقتی که عزیز مصر بود با برادرش بنیامین که زندانی بود نشست.

وقتی تهمت دزدی به پیشانی بنیامین چسبید و به زندان برده شد، برادران هم به کنعان برگشتند، شب‌هنگام حضرت یوسف دستور داد که شخصی را که امروز زندانی کرده‌اید، بیاورید تا سر سفره با همدیگر بنشینیم و شام بخوریم؛ خوب است فرمان‌روا و حاکم با افراد زیردست و زندانی‌ها بنشینند. بنیامین را آوردند و با برادرش یوسف نشستند؛ یعنی مقدمه‌ی هم‌نشینی با یوسف، زندانی شدن بود. اگر کسی می‌خواهد با یوسف مصر وجود، امام عصر ارواح‌فاداه هم‌نشینی داشته باشد، باید خودش را برای زندان آماده کند. زندان همیشه مانند زندان‌های قوه‌ی قضائیه نیست؛ گاهی زندان، دنیا است. گاهی با همه‌ی وسعتش برای انسان تنگ و مثل یک سلول انفرادی می‌شود. حال، اگر دنیا برای کسی زندان شد؛ یعنی اگر احساس کرد کیفیتش به‌راه نیست، لذت نمی‌برد؛ ولو غذای خوشمزه می‌خورد، لباس خوب می‌پوشد، خانه و وسیله‌ی نقلیه دارد؛ اما از زندگی لذت نمی‌برد و زندگی برایش مثل زندان است؛ اگر چنین باشد، این خبری خوش است؛ عزیز مصر وجود، او را به خود راه خواهد داد. لذا خیلی ناراحت نباشیم اگر دنیا برایمان راحت نیست، لذت نمی‌بریم و خیلی خوش نیستیم؛ ناراحت نباشیم اگر دنیا برایمان غربت‌کده و زندان است، غریبیم، تنهایییم، در تنگنایییم، در فشاریم. اینها برای

مؤمن خبر خوشی دارد؛ چون دنیا برای مؤمن مثل زندان و برای کافر مثل بهشت است: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ»^۱!

❁ کسی که آخرت را داشته باشد، دنیایش هم آخرت می‌شود. (۴:۳۸)

نکته‌ی قشنگی است. آخرت داشته باشد؛ یعنی با خدا و خوبان خدا رابطه‌ی قشنگ داشته باشد، آنها را فراموش نکرده باشد، غافل از خدا نباشد. کسی که آخرت داشته باشد، دنیای او هم آخرت می‌شود؛ یعنی به دنبال کاسبی می‌رود، عبادت است؛ به دنبال درس خواندن می‌رود، عبادت است؛ می‌خواهد تا خستگی درکند، عبادت است؛ غذا می‌خورد، عبادت است. در روایتی که قریب به این مضمون است، نقل شده که کسی خدمت امام علیه السلام عرض کرد: یا بن‌رسول‌الله! نگرانم. حضرت فرمودند: چرا؟ گفت: وضعم خوب است؛ فقر و گرفتاری ندارم. نگرانم که مورد غضب خدا قرار گرفته باشم و جزء مستدرجین باشم. حضرت فرمودند: امکانات خوبی که در دنیا برایت می‌آید، چه حالی در تو ایجاد می‌کند؟ عرض کرد: یا بن‌رسول‌الله! شاکر خدا می‌شوم. حضرت فرمودند: در چه زمینه‌هایی از این امکانات استفاده می‌کنی؟ گفت: به حج و زیارت می‌روم و امکانات زندگی برای بچه‌ها و خانواده فراهم می‌کنم. حضرت فرمودند: این عین آخرت است؛ اصلاً دنیا نیست^۲. اگر انسان آخرت داشته باشد، دنیایش هم عین آخرت می‌شود؛ یعنی همه‌ی چیزهایی که اهل دنیا دارند، او هم دارد؛ ولی دیگر دنیا نیست؛ می‌خورد تا نیرو داشته باشد که بندگی خدا را به جا آورد و این عین عبادت است؛ می‌خواهد تا انرژی داشته باشد که فرمان خدا را اجرا کند و این عین عبادت است؛ ازدواج می‌کند تا فرمان خدا را اطاعت کرده باشد؛ چراکه خدا نمی‌پسندد جوانی امکان ازدواج داشته باشد و عزب و مجرد زندگی کند. خدا از

۱. صدوق، من‌لا‌یحضره‌القیه، ج ۴، ص ۳۶۳ و حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷ و مجلسی، بحار، ج ۳۶، ص ۱۲۴.

۲. «قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ اللَّهِ إِنْ لَمْ تَطْلُبْ الدُّنْيَا وَ نُحِبُّ أَنْ نُؤْتَاهَا فَقَالَ نُحِبُّ أَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَا ذَا قَالَ أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَ عِيَالِي وَ أَصْلِي بِهَا وَ اتَّصَدَّقُ بِهَا وَ أَحِبُّ وَ أَعْتَمِرُ فَقَالَ ع لَيْسَ هَذَا طَلَبُ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ»: کلینی، کافی، ج ۵، ص ۷۲ و شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه،

کسی که توانایی و امکانات ازدواج داشته باشد و ازدواجش را به تأخیر بیندازد، بدش می‌آید. گاهی توقعات ما، تجمل، تشریفات و هزینه‌های آنچنانی سدّ راه ازدواج می‌شود. با امکانات بسیار اندک هم می‌شود یک زندگی مشترک خانوادگی تشکیل داد و به سلامت زندگی کرد. اگر همین امکانات اندک را خدا فراهم کرد؛ ولی جوان بی‌اعتنایی کرد و امروز را به فردا انداخت، خدا از او بدش می‌آید؛ حتی در روایات داریم که جوان مجردی که امکان ازدواج دارد ولی ازدواج نمی‌کند، وقتی روی زمین راه می‌رود، زمین او را نفرین می‌کند. ازدواج سنت الهی است؛ منتها یک‌وقت انسان به قصد لذت‌جویی - های طبیعی و حیوانی به سراغ ازدواج می‌رود و یک‌وقت به قصد فرمان بردن از خدای متعال و عمل به سنت پیامبر اکرم ﷺ. پیامبر فرمودند: «التَّكَاخُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»^۳؛ به سمت ازدواج می‌رود تا به سنت پیغمبر عمل کرده باشد، امر خدا را اطاعت کرده باشد که فرمود: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ»^۴. این عین عبادت است؛ حتی از عبادت‌های بزرگ هم هست. هرکس هم که به سمت این عبادت نرفته، کلاه سرش رفته است؛ لذا زودتر به سمت این عبادت بروید و آن را عقب نیندازید. گاهی جوان‌ها مشکل ندارند، پدر و مادرها هستند که اسیر سنت‌های انحرافی و خرافی مغایر با دین خدا شده‌اند. خدا رحمت کند حاج‌آقا دولابی را؛ می‌فرمود: آداب و رسوم، دینی جدای از دین خداست. بعضی پیرو دین خدا هستند؛ بعضی هم پیرو دین آداب و رسومند؛ می‌گویند: اگر مهریه‌ی دخترمان فلان مقدار باشد، مردم چه می‌گویند؟ به مردم چگونه توضیح دهیم؟ این دین مستقلی است، اصلاً خدا در آن مطرح نیست و مردم در آن حاکمند. اگر انسان اهل آخرت باشد، دنیایش هم آخرت می‌شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۳. مجلسی، بحار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰ و شعیری، جامع‌الآخبار، ص ۱۰۱.

۴. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۷۳ و مجلسی، بحار، ج ۱۰، ص ۳۸۲ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۵.